

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه قیامة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

لَا أُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَامَةِ ﴿۱﴾

سوگند به روز قیامت،

وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ﴿٢﴾

و سوگند به نفس ملامتگر
(و وجدان بیدار که رستاخیز حق است)!

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ ﴿٣﴾

آیا انسان می‌پندارد که هرگز استخوانهای او را جمع نخواهیم کرد؟!

بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسْوِيَّ بَنَانَهُ ﴿٤﴾

آری قادریم که (حتی خطوط سر) انگشتان او را موزون و مرتب کنیم.

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ﴿٥﴾

(انسان شک در معاد ندارد) بلکه او می خواهد (آزادانه) در تمام عمر گناه کند

يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ﴿٦﴾

(از این رو) می پرسد:
«روز قیامت کی خواهد بود»؟!

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصْرُ ﴿۷﴾

(بگو:) در آن هنگام که چشمها از شدت
وحشت خیره گردد،

وَخَسَفَ الْقَمَرُ ﴿۸﴾

وماه بی نور شود،

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٩﴾

و خورشید و ماه با هم جمع شوند،

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُغُ ﴿١٠﴾

آن روز انسان می گوید: «راه فرار کجاست؟!»

كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿۱۱﴾

هرگز چنین نیست، (راه فرار و)
پناهگاهی وجود ندارد!

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ﴿١٢﴾

آن روز قرارگاه نهایی تنها به سوی
پروردگار تو است؛

يُنَبِّئُوا الْإِنْسَانَ بِيَوْمِئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ﴿١٣﴾

و در آن روز انسان را از آنچه که از پیش
و پشت سر فرستاده آگاه می کنند.

بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ﴿١٤﴾

بلکه انسان از وضع خویش آگاه است،

وَلَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرَهُ ﴿۱۵﴾

هرچند (در ظاهر) برای خود عذرهایی بتراشد.

لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ﴿١٦﴾

(هنگام نزول وحی) زبانت را بخاطر عجله برای خواندن آن حرکت مده،

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ﴿١٧﴾

چرا که جمع کردن و خواندن آن بر عهده ماست.

فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ﴿۱۸﴾

پس هرگاه آن را خواندیم، از خواندن
آن پیروی کن

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ﴿١٩﴾

سپس بیان (و توضیح) آن (نیز) بر عهده ماست.

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ ﴿٢٠﴾

هرگز چنین نیست (که شما می‌پندارید!) بلکه شما دنیای زودگذر را دوست دارید

وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ ﴿٢١﴾

وآخرت را رها می کنید.

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ ﴿٢٢﴾

(آری) در آن روز صورتهایی شاداب
و مسرور است،

إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ﴿٢٣﴾

و به (الطاف) پروردگارشان می نگرند.

وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ بِاسِرَةٍ ﴿٢٤﴾

و در آن روز صورتهایی عبوس
و درهم کشیده است،

تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ ﴿٢٥﴾

(زیرا) می‌دانند عذابی کمرشکن در پیش دارند!

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ ﴿٢٦﴾

هرگز چنین نیست (او ایمان نمی آورد) تا موقعی که جان به گلوگاهش رسد،

وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ ﴿٢٧﴾

و گفته شود: «آیا کسی هست که
(این بیمار را از مرگ) نجات دهد؟!»

وَزَنَّا أَنَّهُ الْفِرَاقُ ﴿٢٨﴾

(در این هنگام) او به جدایی از
دنیا یقین پیدا می کند،

وَالْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ ﴿٢٩﴾

و ساق پاها (از سختی جان دادن)
به هم می پیچد!

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ﴿٣٠﴾

در آن روز مسیر همه به سوی (دادگاه) پروردگارت خواهد بود.

فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّى ﴿٣١﴾

(در آن روز گفته می شود:) او ایمان
نیاورد و نماز نخواند،

وَلَكِنَّ كَذَبًا وَتَوَلَّى ﴿٣٢﴾

بلکه تکذیب کرد و روی گردان شد،

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ ﴿٣٣﴾

سپس به سوی خانواده خود بازگشت در حالی که متکبرانه قدم برمی داشت.

أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ ﴿۳۴﴾

(با این اعمال) عذاب الهی برای
تو شایسته تر است، شایسته تر!

ثُمَّ أَوَّلَىٰ لَكَ فَأَوَّلَىٰ ﴿٣٥﴾

باز هم عذاب برای تو شایسته تر است،
شایسته تر!

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى ﴿٢٦﴾

آیا انسان گمان می کند بی هدف رها می شود؟!

أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِيِّ يُمْنِي ﴿٣٧﴾

آیا او نطفه ای از منی که در رحم
ریخته می شود نبود؟!

ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى ﴿٣٨﴾

سپس بصورت خون بسته درآمد،
و خداوند او را آفرید و موزون ساخت،

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ﴿٣٩﴾

و از آن، دو زوج مرد و زن آفرید.

أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ﴿٤٠﴾

آیا چنین کسی قادر نیست که مردگان را زنده کند؟!

صدق الله العلي العظيم